

موضوع عام: واجب نفسی و غیره

مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: ترتب ثواب بر واجب غیره

باسمه تعالی

- ۲ **مقدمه واجب**
- ۲ **واجب نفسی و غیره**
- ۲ ترتب ثواب بر بعضی از مقدمات
- ۲ محبوبیت نفسیه داشتن مقدمات
- ۲ اشکال اول: اخص از مدعا بودن جواب مرحوم نائینی
- ۳ اشکال دوم: خلاف ارتکاز بودن جواب مرحوم نائینی
- ۳ سببیت مستقله نداشتن مقدمات برای ترتب ثواب
- ۵ اشکال طهارات ثلاث
- ۵ تقریب اول از اشکال طهارات ثلاث
- ۵ تقریب دوم از اشکال طهارات ثلاث
- ۶ جواب از اشکال طهارات ثلاث: استحباب نفسی داشتن طهارات ثلاث
- ۶ کیفیت حصول طهارت در طهارات ثلاث

موضوع: ترتب ثواب بر واجب غیره / واجب نفسی و غیره / مقدمه واجب

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد ترتب ثواب بر واجب غیره بود. استاد در ابتدا به بیان مبانی مختلف در مساله ترتب ثواب و عقاب بر واجبات پرداختند. مجموعاً چهار مبنا مطرح شد (استحقاق و اهلیت تفضل و تجسم اعمال و قراردادی) بعد از این مساله به بیان ترتب ثواب بر بعضی از مقدمات پرداختند. مرحوم آخوند فرمودند: ترتب ثواب به خاطر احمزیت است. مرحوم نائینی فرمود: ترتب ثواب به خاطر استحباب نفسی آنهاست. استاد دو جواب را قبول نفرمودند.

مقدمه واجب

واجب نفسی و غیره

ترتب ثواب بر بعضی از مقدمات

محبوبیت نفسیه داشتن مقدمات

گفته شد: بر واجب غیره ثواب مترتب نمی‌شود. بعد این اشکال مطرح شد: از ادله و روایات چنین استفاده می‌شود که بر بعضی از مقدمات، ثواب مترتب شده است. مرحوم نائینی برای حل این اشکال فرموده است: ترتب ثواب بر بعضی از مقدمات به خاطر محبوبیت نفسیه داشتن آنها است. مانند طهارت ثلاث. (کما سیاتی). مثلاً در آیه مبارکه و لا یطئون موطئا ترتب ثواب بر رفتن به جنگ به خاطر همراهی کردن پیامبر است. یعنی همراهی کردن پیامبر محبوبیت نفسیه دارد؛ زیرا این کار موجب تعظیم و تکریم پیامبر است؛ پس هر چند که جنگ تبوک (ذی المقدمه) محقق نشد؛ اما به خاطر محبوبیت نفسیه داشتن همراهی پیامبر، خداوند بر گامهایی که برای جنگ برداشته شده است، ثواب مترتب کرده است.

تذکر این نکته لازم است، جوابی که مرحوم آخوند برای حل مشکل ترتب ثواب بر مقدمات فرمودند در آیه مبارکه جاری نیست؛ زیرا احمزیت مقدمه مطرح نیست؛ چون ذی المقدمه که جنگ تبوک بود، واقع نشد؛ لذا مرحوم نائینی برای حل مشکل جواب مذکور را مطرح کردند.

اشکال اول: اخص از مدعا بودن جواب مرحوم نائینی

جواب مرحوم نائینی اگر درست باشد، اخص مدعی است. یعنی جواب ایشان فقط در مورد آیه جاری است؛ اما جواب ایشان در مواردی مانند گام برداشتن برای امثال حج عمره و یا گام برداشتن برای زیارت امیرالمومنین و حضرت ابا عبدالله (علیهما السلام) جریان ندارد

اشکال دوم: خلاف ارتکاز بودن جواب مرحوم نائینی

ادعای مرحوم نائینی خلاف ارتکاز است. ظاهر آیه شریفه این است که برای جنگ گام برمی دارند و ترتب ثواب به خاطر همراهی کردن پیامبر نیست. در حقیقت ترتب ثواب برای حرکت کردن است و در حرکت کردن، چیزی به غیر از مقدمیت وجود ندارد. ظاهر آیه حرکت است که قربت به مقصد است.

جمع بندی

توجیهاتی در رابطه با بحث ترتب ثواب بر بعضی از مقدمات مطرح گردید. به نظر ما جواب کلی در این رابطه بحث تفضل است. یعنی خداوند از باب تفضل این ثوابها را بر مقدمات مترتب کرده است. کلام مرحوم آخوند(احمیت) نیز در بعضی از موارد جاری است. جواب مرحوم نائینی قابل تصدیق نیست.

تقریر محل بحث

بحث در این بود: آیا مقدمات، سبب مستقلى برای ترتب ثواب هستند یا نه؟ اگر سبب مستقلى باشد، در جایی که چند مقدمه و یک ذی المقدمه داریم، چندین عقاب داشته باشیم. اگر گفته شود سبب مستقلى نیست، معنایش این نیست که ثواب ندارد؛ زیرا از این جهت که شروع در مقدمه، شروع در امتثال ذی المقدمه است، عقل حکم می کند که ثواب داشته باشد. ارتکاز بر این است که اگر عبد شروع در مقدمه کند، کانّ شروع در امتثال ذی المقدمه کرده است. اگر عقلاء چنین عبدی را مدح می کنند، به این خاطر است که کانّ شروع در امتثال ذی المقدمه کرده است. البته در چنین امتثالی شرط است که به قصد توصل به ذی المقدمه شروع شود.

تقریر محل بحث بر مبنای مرحوم خوئی

مرحوم خوئی فرمود: انجام مقدمات، تعظیم مولا است. با توجه به این مطلب نسبت به مقدمات گفته می شود: آیا در جایی که چند مقدمه و یک ذی المقدمه وجود داشته باشد، چند تعظیم مولا وجود دارد یا یک تعظیم مولا وجود دارد؟

سببیت مستقله نداشتن مقدمات برای ترتب ثواب

به نظر ما در جایی که چند مقدمه و یک ذی المقدمه وجود دارد، یک ثواب و یا یک تعظیم بیشتر وجود ندارد. زیرا عقل می گوید: چون یک واجب وجود دارد، با شروع در مقدمات، کانّ شروع در امتثال یک واجب است. حال که شروع در امتثال یک واجب است؛ پس یک تفضل و یا یک تعظیم بیشتر وجود ندارد.

البته فراموش نشود که ترتب تفضل و یا تعظیم به نحو شرط متاخر مشروط است به این که در اثنای انجام مقدمات پیشیمان نشود. اگر مقدمات امتثال شود و بعد که به ذی المقدمه نزدیک شود و بعد پیشیمان بشود، هیچ تکریمی صدق نمی‌کند؛ بلکه عقلاء او را مذمت می‌کنند. اگر مذمت نکنند لا اقل تکریم و تعظیم نیست.

تکریم در جایی است که مکلف به اختیار خودش مقدمه را رها نکند چه ذی المقدمه محقق بشود و چه نشود. آیه شریفه نیز از این قبیل است. یعنی همراهی کردن پیامبر، شروع در امتثال واجب الهی است. هر چند که واجب الهی محقق نشود، اما تعظیم خداوند رخ داده است. نظیر کسی که در اثنای نماز فوت می‌کند و موفق به انجام آن نمی‌شود؛ اما ثواب بر چنین عملی مترتب می‌شود.

جای تعجب دارد که مرحوم خوئی این مطالب را مطرح می‌کند؛ ولی باز هم می‌فرماید: شروع در مقدمات سبب مستقلی برای تعظیم است و ادعای مرحوم آخوند (شروع در مقدمات شروع در واجب است) را رد می‌کند.

مرحوم خوئی برای جواب از این سوال تفصیلی مطرح کرده است. اگر ترتب ثواب را از باب استحقاق ثواب بدانیم، چند استحقاق وجود ندارد اما اگر از باب تفضل باشد، سبب مستقل است.

به نظر ما این تفصیل مجال ندارد. اگر یک تکریم است یک ثواب و یک تفضل بیشتر نیست و اگر تعظیم متعدد است پس ثواب و تفضل متعدد است. این مساله ربطی به مستحق بودن عبد یا تفضل خداوند ندارد.

حاصل کلام: اگر شخصی به خاطر توصل به ذی المقدمه یا به خاطر این که خداوند امر مقدمی را می‌خواهد، شروع در امتثال مقدمات کرد، آیا هر مقدمه سبب مستقل است یا سبب مستقل نیست؟ این مساله ربطی به استحقاق عبد یا تفضل ندارد.

مرحوم خوئی می‌فرماید: هر مقدمه ای سبب مستقل برای ترتب ثواب است. به نظر ما مقدمات سبب مستقلی برای ثواب نیست. شروع در امتثال مقدمات، شروع در امتثال ذی المقدمه است. لذا روایاتی که ثواب را بر مقدمات مترتب می‌کنند، به این معنا است که شروع در مقدمات، شروع در ذی المقدمه است. پس در حقیقت ترتب ثواب بر شروع در ذی المقدمه است.

اشکال طهارات ثلاث

تقریب اول از اشکال طهارات ثلاث

تا به حال گفته شد: امر به مقدمات، امر غیره است و برای رسیدن به ذی المقدمه هستند؛ لذا اتیان به مقدمات مستقلا ثواب ندارند؛ اما در شریعت نسبت به طهارات ثلاث دو حکم مترتب شده است که خلاف ادعایی است که تا به حال گفته شده است؛ زیرا اولاً برای اتیان به طهارات ثلاث ثواب مرتب شده است و ثانياً طهارات ثلاث با این که مقدمه هستند، باید بر وجه عبادیت امتثال شوند. امر غیره نه موجب ترتب ثواب می شود و نه قرب آور است؛ لذا این اشکال مطرح می شود: چرا طهارات ثلاث با این که مقدمه هستند، هم قرب آور است و هم ثواب بر آنها مترتب می شود.

این اشکال حتی بر مبنای مرحوم خوئی نیز وارد است. ایشان قائل بود: اگر مقدمات قریبی اتیان شود، ثواب مستقل دارد؛ اما درعین حال ایشان قائل بود به این که لازم نیست قریبی امتثال شوند؛ چون توصلی است و برای رسیدن به غیر است؛ پس باز هم این اشکال مطرح می شود که طهارات ثلاث باید قریبی انجام شوند در حالی که مرحوم خوئی فرمود: لازم نیست قریبی امتثال شوند.

تقریب دوم از اشکال طهارات ثلاث

مرحوم شیخ فرموده است: تعبدیت طهارات ثلاث مستلزم دور است. مشهور می گویند: وضو و غسل و تیمم محصل طهارت و رافع حدث هستند. رافعیّت طهارات ثلاث متوقف بر اتیان عبادی آنها است. (هر چند که در این مطلب ابو حنیفه مخالفت کرده است) اتیان قریبی طهارات ثلاث متوقف بر امر داشتن طهارات ثلاث است. برای قریبی شدن طهارات ثلاث، وجود امر در رتبه سابق لازم است. معنای قریبی بودن طهارات ثلاث، امر داشتن طهارات ثلاث است. یعنی مقدماتی هستند که امر دارند. ادعا این است که اگر بخواهیم برای قریبی کردن طهارات ثلاث، از امر غیره استفاده کنیم، دور لازم می آید؛ زیرا در مقدمیت طهارات ثلاث امر نهفته است؛ چون عبادی هستند و عبادت هم بدون امر ندارد.

^۱ مطراح الانظار. ج ۱ ص ۳۴۹ و یشكل: بأنّ القرية عبارة - على ما عرفت مراراً - عن الإتيان بالفعل بواسطة الأمر، و لا مصحح لها في الأوامر المقدّمة، إذ الأمر المقدّم لا يعقل أن يكون مستتبعا لذلك، ضرورة معلومية الغرض الداعي إلى المقدّمة، و هو التوصل بها إلى ذیها، و بعد العلم بأنّ المقصود و الغرض هو التوصل لا معنى للقول بوجوب الإتيان بالمقدّمة على وجه القرية.

و السرّ في ذلك أيضا هو ما عرفت: من أنّ امتثالها تابع لامتنال ذیها، كما أنّ وجوبها على القول به وجوب تبعي منتزع من وجوب ذیها، و هو لا يستتبع امتثالا و لا قرينة، كما لا يوجب ثوابا.

به عبارت دیگر؛ رافع حدث بودن طهارات ثلاث متوقف بر این است که عبادی باشند. عبادی بودن آنها متوقف بر این است که امر داشته باشند؛ پس مقدمه (طهارات به علاوه وجود امر) باید رتبه قبل وجود داشته باشند. حال اگر امر غیره بخواهد امر نهفته شده در طهارات را محقق کند، دور لازم می آید.

پس امر غیره متوقف بر مقدمیت داشتن طهارات ثلاث است. امر به طهارات ثلاث که جزء مقدمیت آنها است اگر بخواهد به امر غیره درست بشود، دور لازم می آید؛ چون امر طهارات ثلاث متوقف بر امر غیره دارد. لذا عبادیت طهارات ثلاث مستلزم دور است.

جواب از اشکال طهارات ثلاث: استحباب نفسی داشتن طهارات ثلاث

جوابهایی که برای حل دور مطرح شده است به این مطلب برمی گردند: امری که در طهارت ثلاث است، غیر از امر غیره است. یعنی در رتبه قبل از امر غیره، یک امر دیگری داریم که مقدمیت طهارات ثلاث به خاطر آن امر غیره است. یعنی عبادیت را به گونه ای تصویر کرده اند که متوقف بر امر غیره نباشد. هر چند که امر غیره به آن تعلق دارد ولی عبادیت طهارات ثلاث متوقف بر امر غیره نیست.

مرحوم آخوند فرموده است: 'عبادیت طهارات ثلاث به خاطر امر نفسی است. قبل از این که امر غیره بیاید وضو استحباب نفسی دارد. شارع مقدس وضو و غسل و تیمم را طهارت قرار داده است و فرموده است ان الله يحب المطهرين. این امر نفسی قبل از امر غیره محقق است. پس اشکال نشود که امر به مقدمه توصیلی است اما در طهارات ثلاث تعبدی است، زیرا تعبدی بودن طهارات ثلاث به خاطر امر نفسی است که در رتبه قبل از امر غیره است. پس تعبدیت از ناحیه امر غیره نیامده است. امر غیره بر عبادیت توقف دارد اما عبادیت بر امر غیره توقف ندارد.

نتیجه: اشکال با هر دو تقریب مرتفع می شود

کیفیت حصول طهارات در طهارات ثلاث

یک بحثی در فقه مطرح شده است که طهارات ثلاث امر نفسی دارند یا نه؟ یک بحث دیگری مطرح است که آیا وضو و تیمم و غسل طهارت است یا این موارد محصل طهارت هستند

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۱۱.

موضوع عام: واجب نفسی و غیره

مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: ترتب ثواب بر واجب غیره

مرحوم خوئی فرموده است: طهارات ثلاث طهارت هستند و بحث محصل و متحصل مطرح نیست. غسل و وضو و تیمم معنونات طهارات ثلاث هستند و طهارت را خداوند دوست دارد پس خود این طهارات را دوست دارد

مرحوم نائینی فرموده است: جواب مرحوم آخوند درست نیست. اولاً استحباب نفسی در تیمم را قبول نداریم. بله؛ وضو و غسل استحباب نفسی دارند. پس جواب مرحوم آخوند اخص از مدعا است. دست به خاک زدن و به پیشانی زدن مطلوب مولا نیست.

مرحوم خوئی فرموده است: تیمم هم استحباب نفسی دارد. در روایات نیز آمده است: تیمم یکی از طهورین است. ادامه بحث در جلسه آینده.